# عنوان پژوهش:

# احتمالات ترکیبی مطرح شده در [ آیه 3 سوره انبیاء] و ثمره معنوی آن.

نام پژوهشگر: محمود خورشیدی[[1]](#footnote-1)

استاد راهنما: حجت الاسلام و المسلمین استاد موسوی(حفظه الله)

چکیده  
همواره افرادی که با قرآن و سایر کتب زبان عربی مانوس هستند، متوجه اختلاف سلیقه و اختلاف دیدگاه ها در ترجمه آیات قرآن کریم شده اند. یکی از عمده دلائل این اختلاف دیدگاه ها، اختلاف در تحلیل نحوی و به عبارت دیگر اختلاف در ترکیب کردن نحوی آیات قرآن کریم است. ممکن است که یک کلمه در یک آیه چند احتمال ترکیبی داشته باشد و همین تعدد احتمالات سبب تعدد معنا در آیات شود. از جمله مواری که شاهد این موضوع است، آیه 3 سوره انبیاء است که در این مقاله به بررسی آن می پردازیم. نوع مواجهه نویسنده مقاله با این آیه شریفه، تحلیل محور است. به طوری که نویسنده اقوال مطرح شده در آیه را جمع آوری کرده و سپس به نقد و بررسی و تحلیل هر یک از آنها می پردازد. در نتیجه احتمال ترکیبی‌ای را که به مقصود متکلم یعنی خداوند متعال نزدیک‌تر است را بیان می کند.

کلید واژه: ترکیب، بدل، علامه طباطبایی، مفسرین، اعراب کنندگاه قرآن...

# مقدمه

قرآن کریم که در اوج فصاحت و بلاغت از جانب خداوند متعال بیان شده است، مهم ترین منبع برای فهم کلام خداوند است. برای فهم و درک آیات قرآن کریم با توجه به فصاحت و توجه به مصدر صدور آن، دقت در یادگیری و به کارگیری قواعد علوم ادبیات اعم از صرف، نحو، بلاغت و لغت، بسیار حائز اهمیت است. چه بسا بسیاری از اختلاف دیدگاه ها و اختلاف در برداشت ها ریشه در این مسئله داشته باشند.

از جمله مواردی که سبب تفاوت و تخالف در ترجمه و برداشت از آیات قرآن کریم می شود، وجود چند احتمال ترکیبی در آیات می باشد. به تعبیر دیگر ممکن است کلمه یا جمله در یک آیه، دارای چند ترکیب و تحلیل نحوی باشد. به تبع همین تعدد ترکیب، معنا و ترجمه ای که از آیه برداشت می شود متعدد و مختلف خواهد بود و بستگی به ترکیبی که مترجم آن را بر می‌گزیند دارد. از جمله این موارد آیه 3 سوره انبیاء است که در این مقام قصد تحلیل و بررسی آن را داریم.

نکته‌ای که بسیار مهم و حائز اهمیت است، توجه و درک صحیح مباحث ادبی و فهم صحیح جایگاه و ویژگی های ترکیبی و معنوی هر یک قیودات و قواعد ادبیات عرب است. برای مثال فاعل، مبتدا و خبر در تحلیل نحوی اعراب رفع می گیرند اما هر یک از اینها معنای متفاوتی دارند که منوط به غرض متکلم است. لذا در به کارگیری هر یک از اینها و یا در مواجهه با هر یک از این موارد و برای تحلیل هر یک از آنها بایستی به ظرائف و ویژگی های هر یک از آنها توجه نمود.

در این نوشته ابتدا توضیح اجمالی در مورد ترکیب کردن و ماهیت ترکیب کردن ارائه می دهیم تا خواننده محترم با اصل مسئله آشنا شود و سپس به تحلیل و بررسی محل بحث خواهیم پرداخت.

در اینجا لازم می دانیم از استاد عزیزم جناب حجت الاسلام موسوی(حفظه الله) که در جمع آوری این مطالب کمک شایانی به بنده کرده اند تشکر لازم را داشته باشم و برای ایشان آروزی تندرستی و کامیابی دارم.

# ترکیب و معنا

ترکیب در لغت به معنای وضع و امتزاج چیزی در کنار چیز دیگر است.(معلوف، لویس،1392ه.ش،ص276)

ترکیب در اصطلاح به معنای بررسی نقش نحوی کلمات در جمله است که در زبان عربی از آن تحت عنوان تحلیل نحوی یا اعراب یاد می شود.

در علم ادبیات هر کلمه در یک جمله و هر جمله در یک عبارت دارای ترکیب و به عبارت دیگر دارای محلی از اعراب است. هر یک از کلمات و جملات هنگامی که در ساختار ها و نقش های ترکیبی قرار می گیرند، متضمن معنای جدیدی می شوند. به عبارت دیگر متکلم برای انتقال معنایی که قصد کرده است بایستی کلمات و جملات را طوری ترکیب کند که ساختار کلام او حاوی معنای مقصود او باشد.

بنابراین ترکیب نحوی برای هر کلمه یا جمله تولید معنا می کند. معنا یعنی آنچه که در تفهیم و تفاهم، به وسیله کلمات قصد می شود.‌‎‍‍(معلوف، لویس، المنجد فی اللغة،1392 ه.ش، ص 535)

در نتیجه مشخص می شود که هر کلمه علاوه بر معنای لفظی‌ای که برایش وضع شده، یک معنای ساختاری و ترکیبی نیز دارد که بر اساس نقش های مختلف اعرابی، تغییر می کند.

برای روشن شدن ارتباط بین ترکیب کلمات و معنای حاصل از آنها، ترکیب و معنای لفظ «زید» را در چند جمله بررسی می کنیم؛

الف) زیدٌ فی الدار

ب) ضرب زیدٌ عمراً

ج) ضربت زیداً

در مثال الف، لفظ «زید» به عنوان مبتدای جمله است. در واقع متکلم در این جمله از بودن زید در خانه خبر می دهد.

در مثال ب، «زید» فاعل برای فعل«ضرب» می باشد. مخاطب با شنیدن جمله ب، متوجه می شود که فعل زدن توسط زید انجام شده است.

در مثال ج، «زید» مفعول فعل «ضرب» است که حاصل معنای این جمله این است که فعل توسط شخص دیگری به روی زید واقع شده است.

بعد از توضیح مسئله ترکیب نحوی و بیانی پیرامون مسئله ترکیب و معنا در ادامه به محل بحث می پردازیم. به همین منظور ابتدا تحلیل نحوی آیه شریفه را به اختصار بیان کرده و سپس به محل نزاع خواهیم پرداخت.

# 1\_ ترکیب آیه

در ابتدای کلام لازم است ترکیب مفردات آیه شریفه را ذکر نماییم:

لاهیةً: اسم فاعل، منصوب بنابر حال بودن از واو «یلعبون» در آیه قبل.

قلوبهم: مضاف و مضاف الیه، فاعل برای «لاهیةً»

اسرّوا: فعل و فاعل

النّجوی: مفعول به فعل اسرّوا

الذّین: بدل از واو الذین، برای این کلمه در آیه شریفه ترکیب های مختلفی ذکر شده است که در ادامه نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

ظلموا: فعل و فاعل، صله برای الذین، جمله صله محلی از اعراب ندارد.

هل: حرف استفهام، محلی از اعراب ندارد.

هذا: مبتدا

الا: حرف استثناء

بشرٌ: خبر برای هذا؛ استثناء تام متصل

مثلُکم: مضاف و مضاف الیه، صفت برای بشرٌ؛ ممکن است سوال مطرح شود که یکی از شرایط تبعیت موصوف و صفت، تبعیت در تعریف و تنکیر است، درحالیکه «مثلکم» اضافه به معرفه شده و بایستی کسب تعریف کند. این درحالی است که موصوف یعنی«بشرٌ» نکره است؟ پاسخ این است که لفظ«مثل» متوغل در تنکیر است لذا با اضافه به ضمیر«کم» که معرفه است، کسب تعریف نمی کند.

أ فتأتون: همزه استفهام محلی از اعراب ندارد؛ «فاء» حرف عطف، «تاتون» فعل و فاعل

السّحرَ: مفعول به «تأتون»

و انتم تبصرون: مبتدا و خبر، جمله حال از واو «تأتون»

کل جمله «هل هذا الا بشرٌ مثلُکم أ فتأتون السّحرَ و انتم تبصرون» بدل از «النّجوی» (زمخشرى، محمود بن عمر،1407 ه. ق‏، ج 3، ص 103)

همانطوری که در ترکیب مفردات آیه شریفه اشاره شد، کلمه «الذّین» در آیه شریفه مورد اختلاف بین مفسرین و نحویون قرار گرفته است.

در کتب مختلف نحوی و تفسیری، یازده ترکیب برای این کلمه مطرح شده است که به ترتیب آنها را عنوان کرده و سپس به بررسی هر یک از آنها می پردازیم:

## 1-1ترکیب های«الذّین»

1. رفع
   1. بدل از واو در «اسرّوا»
   2. بدل از واو «استمعوه» در آیه قبل
   3. مبتدا و خبر آن جمله«اسرّوا»
   4. متبدا و خبر آن محذوف
   5. خبر برای متبدای محذوف
   6. فاعل فعل«اسرّوا» و واو علامت جمع از باب لغت اکلونی البراغیث
   7. فاعل فعل«یقول» محذوف
2. نصب
   1. بدل از مفعول «ما یاتیهم» در آیه قبل
   2. منصوب بنابر اضمار ذم
3. جر
   1. بدل از «لِلنّاس» محذوف
   2. بدل از ضمیر «هم» در عبارت«لاهیةً قلوبهم» (ابن هشام، جمال‌الدین، 1391 ه.ش، ص 351)

## 1-2 نقد و بررسی ترکیب های «الذّین»

بعد از بیان ترکیب های مطرح شده برای کلمه«الذّین» اکنون به بررسی مهم ترین ترکیب های مطرح شده و تاثیر هر یک از آنها در معنای آیه می پردازیم.

اولین ترکیبی که به آن اشاره شد، رفع بنابر بدلیت بود. مفسرینی همچون علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان و زمخشری در تفسیر کشاف خود این ترکیب را برگزیده اند.(طباطبایی، محمدحسین، 1390،ج‏14، ص: 251) (زمخشرى، محمود بن عمر،1407 ه. ق‏، ج 3، ص 103)

مرحوم علامه طباطبایی در تشریح معنای آیه می فرمایند که «اسرّوا» به معنای راز گفتن است که همراه با کتمان و پنهان گویی است. از طرفی اضافه کردن «النجوی» به معنای «اسرّوا» مبالغه در راز گویی پنهانی مشرکین را نشان می دهد. همچنین از آنجایی که فاعل «اسرّوا» ضمیر می باشد لذا بعید به نظر می رسد که مراد از نجوا کنندگان همه مردم باشند. چراکه در تمامی ممالک و حکومت ها، افراد مختلف و اقشار مختلف جزء مردم محسوب می شوند و در میان آنها افرادی هستند که بی غرض و بی اهتمام به خیلی از مسائل هستند لذا خداوند تبارک و تعالی از واژه «الذّین ظلموا» اراده ظالمین از مردم را کرده است که مشغول نجواکردن و راز گفتن هستند. به تعبیر دیگر خداوند با ذکر این قسمت از آیه قصد جداکردن ظالمین از مردم و تاکید بر عداوت و دشمنی آنها نسبت به پیامبر(ص) دارد.(طباطبایی، محمد حسین، 1390،ج‏14، ص: 251)

ترکیب دوم، بدلیت از واو «استمعوه» در آیه قبل است. این ترکیب قائلی ندارد و صرفا از باب احتمالات ترکیبی مطرح شده است. البته اگر بخواهیم این ترکیب را بپذیریم معنای آیه به این بیان می شود :«پنهانی نجوا کردند کسانی که ذکر محدث پروردگارشان را شنیدند و ظالم هستند.»

بنابر ترکیب سوم، «الذین» مبتدا و خبر آن جمله«اسرّوا النجوی» است. می توان گفت که علت تقدیم خبر بر مبتدا، اهمیت رازگویی و محتوای رازآنها بوده است لذا به همین دلیل بوده که خداوند در ادامه آیه نجوای آنها را ذکر کرده است:«هل هذا الا بشرٌ مثلکم». صاحب بحرالمحیط قائل است که جناب کسائی این قول را اختیار کرده است. ‏(ابوحيان، محمد بن يوسف‏، 1420 ه. ق ، ج‏7، ص: 408)

یکی دیگر از ترکیب هایی که مورد نظر برخی مفسرین و اعراب کنندگاه قرآن کریم قرار گرفته است، ترکیبی است که احمد بن محمد بن نحاس در اعراب القرآن خود مطرح کرده است. نحاس معتقد است که «الذین» در این آیه شریفه مرفوع است به فعل محذوف. به تعبیر نحاس تقدیر آیه این چنین است:«و اسّروا النجوی یقول الذین ظلموا» بنابراین ترکیب، جمله «اسرّوا النجوی» جمله مستانفه است و معنای آیه به این بیان است:«نجوا کردند، می گویند کسانی که ظلم می کنند آیا این شخص(نبی) شخصی است مگر یک بشری مثل شما؟»( نحاس، احمد بن محمد، 1421ه.ق، ج 3 ص 46)

به نظر می رسد ثمره معنوی این ترکیب با مراد آیه مغایرت داشته باشد. چراکه ابتدای آیه یعنی«رازگویی» دارای ابهام فاعلیت است. یعنی مخاطب هنگام مواجهه با آیه در تشخیص فاعل فعل «اسرّوا» و مصداق رازگویان دچار اشتباه می شود.

یکی دیگر از تحلیل های نحوی که برای این واژه در آیه شریفه بیان شده است، رفع بنابر فاعلیت فعل«اسرّوا» است. کسانی که این ترکیب را انتخاب کرده اند قائل اند که الذین فاعل است برای فعل اسرّوا و واو فعل «اسرّوا» علامت جمع فاعل است. برای توضیح این مطلب بایستی یک قاعده نحوی را متذکر شویم.

### 1-2-3لغت اکلونی البراغیث

در ادبیات عرب یک اصل در ترکیب و اعراب گذاری وجود دارد که تحت عنوان لغت «اکلونی البراغیث» از آن یاد می شود. نکته ای که در این عبارت وجود دارد این است که فعل «اکل» با دو قید مرفوع همراه است؛ یکی «واو» و دیگری«البراغیثُ». نحویون در ترکیب این عبارت نظرات و اعراب گذاری های متخلفی را مطرح کرده اند که یکی از آنها که مشهور میان نحویون است فاعلیت«البراغیث» است و «واو» در «اکلونی» علامت جمع فاعل می باشد. نحویون از این مسئله تحت عنوان لغت اکلونی البراغیث یاد می کنند.

ترکیبی هم که برای کلمه«الذّین» در آیه شریفه مطرح شد بر اساس همین لغت می باشد. فی‌الواقع در آیه شریفه «الذین» فاعل برای «اسرّوا» است و واو «اسرّوا» علامت جمع بودن «الذین» است.

جناب اخفش از علمای نحو در کتاب معانی القرآن خود این ترکیب را برتر از دیگر ترکیب ها برشمرده است. (معانی القرآن (اخفش)، 1423 ه. ق‏ ص 251)

یکی دیگر از احتمالات ترکیبی که برای کلمه «الذّین» قائل دارد، ترکیب جر بنابر بدلیت از «للنّاس» محذوف است. این احتمال را جناب فراء اختیار کرده اند.( فراء، يحيى بن زياد، 1980 م‏، ج 2 ص 198)

نکته جالب در این ترکیب این است که متعلق جار و مجرور، فعل «اسرّوا» است. در واقع حاصل معنای آیه بدین بیان می شود که:« نجوا کردن برای مردم، برای کسانی که ظلم کردند!» یعنی فاعل «اسرّوا» افرادی هستند که راز خود را با ظالمین در میان گذاشتند!

با توجه به مباحث و مطالب مطرح شده و نقد و بررسی مهم‌ترین احتمالات ترکیبی آیه شریفه، اکنون به بررسی تاثیر تحلیل های مختلف آیه در ترجمه آیه شریفه می پردازیم. بدین منظور برخی ترجمه های قرآن را در ادامه ذکر می کنیم و سپس به جمع بندی مطالب خواهیم پرداخت.

2- تاثیر تحلیل های نحوی در ترجمه آیه

با بررسی ترجمه های قرآن کریم، می توان نتیجه گرفت که اکثر مترجمین «الذّین» را به عنوان فاعل «اسرّوا» یا مبتدایی که خبرش «اسرّوا» است در نظر گرفته اند. برای تایید این مطلب، عبارت برخی مترجمین را در ادامه خواهیم آورد.

ترجمه استاد انصاریان: «دل‏هايشان [به امور مادى، خوشگذرانى و معصيت‏] مشغول است؛ و آنان كه ستم‏پيشه‏اند رازگويى خود را پنهان داشتند [و گفتند:] آيا اين پيامبر جز اين است كه بشرى مانند شماست؟ آيا شما با چشم باز وشناخت وآگاهى به سوى سِحر مى‏رويد؟!»

ترجمه استاد فولادوند: در حالى كه دلهايشان مشغول است. و آنان كه ستم كردند پنهانى به نجوا برخاستند كه: «آيا اين [مرد] جز بشرى مانند شماست؟ آيا ديده و دانسته به سوى سحر مى‏رويد؟»

ترجمه آیت الله مکارم شیرازی: «اين در حالى است كه دلهايشان در لهو و بى‏خبرى فرو رفته است! و ستمگران پنهانى نجوا كردند (و گفتند): «آيا جز اين است كه او بشرى همانند شماست؟! آيا به سراغ سحر مى‏رويد، با اينكه (چشم داريد و) مى‏بينيد؟!»

ترجمه آیت الله مشکینی: «در حالى (وحى و قرآن را مى‏شنوند) كه دل‏هايشان مشغول (لهو و باطل) است، و آنان- كه ستم ورزيدند- رازگويى خود را پنهان داشته (گويند:) آيا اين (محمّد) جز اين است كه بشرى همانند شماست؟! آيا به سوى جادو مى‏رويد در حالى كه خود مى‏بينيد!»

صاحبت ترجمه سراج برداشت دیگری از آیه شریفه داشته است که گویا «الذّین» را بدل از فاعل «اسرّوا» دانسته است، به همین منظور متن ترجمه ایشان را ذکر خواهیم کرد:

«سرگرم است دلهاشان (به چيز ديگر) و نهان كردند راز گفتن خود را آنانكه ستم كردند نيست اين (محمد) مگر آدمى مانند شما آيا مى‏زئيد (آيا مى‏پذيريد) جادو را و حال آنكه شما مى بينيد» (سراج، رضا، 1390 ه. ق، ج 1، ص 322)

برای واضح شدن ثمره ترکیبی و معنایی مد نظر در ترجمه اخیر، ذکر نکته ای در باب توابع از مباحث علم نحو لازم به نظر میرسد:

2-1مقصود بالاصاله در بدل

یکی از مهم ترین مباحث علم نحو، بحث بدل در توابع است. در تعریف بدل اینطور گفته می شود که بدل تابعی است که مقصود بالاصاله متکلم است و مبدل منه تنها مقدمه ای است برای ذکر بدل. با توجه به این توضیح اگر بخواهیم ترجمه اخیر یعنی ترجمه سراج را تحلیل کنیم گویا مترجم برداشتی که از آیه شریفه داشته این طور بوده است که مقصود اصلی و بالاصاله خداوند از نجوا و رازگویی، افرادی هستند که این کار را می کنند و آنها ظالمان هستند. به عبارت دیگر آن کسانی که رهبران اصلی جریان مخالف پیامبر(ص) هستند آنها ظالمانی هستند که رازگویی می کنند و پنهانی می گویند که آیا این شخص(پیامبر) کسی است جز یک بشر؟

3- نتیجه

از مجموع مطالب گفته شده و نقد و بررسی هایی که مطرح شد می توان نتیجه گرفت که به چند دلیل بدلیت «الذّین» از فاعل«اسرّوا» ترکیب بهتر و دقیق‌تری نسبت به سایر احتمالات است. اولا خداوند در این آیه شریفه بر معرفی افرادی که جریان مخالفت با پیامبر(ص) را با اشاعه شبهه و تبلیغات سوء معرفی می کنند، تاکید دارد و به تعبیر دیگر می توان گفت که مقصود بالاصاله خداوند متعال معرفی افراد ظالمی است که در مقابل پیامبر(ص) مخالفت می کنند.

از طرفی از آنجایی که فعل «اسرّوا» دارای فاعل می باشد دیگر نیازی به ذکر فاعل نیست تا بدین خاطر بخواهیم قائل به لغت اکلونی البراغیث و موونه های مربوط به آن شویم.

4- منابع و مآخذ

1. قرآن کریم
2. طباطبایی، محمدحسین، 1390 ه. ق‏، الميزان في تفسير القرآن، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، 2، لبنان- بيروت‏
3. سمين، احمد بن يوسف‏،1414 ه. ق‏، الدر المصون فى علوم الكتاب المكنون‏، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏،1، لبنان- بيروت‏
4. فخر رازى، محمد بن عمر،1420 ه. ق‏، التفسير الكبير( مفاتيح الغيب)، دار إحياء التراث العربي‏،3، لبنان- بيروت‏
5. زمخشرى، محمود بن عمر،1407 ه. ق‏، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل‏، دار الكتاب العربي‏،3، لبنان- بيروت‏
6. ابوحيان، محمد بن يوسف‏،1420 ه. ق‏، البحر المحيط فى التفسير، دار الفكر، 1، لبنان- بيروت‏
7. سراج، رضا، 1390 ه. ق‏، ترجمه قرآن( سراج)، سازمان چاپ دانشگاه‏،1، ايران- تهران‏
8. انصاريان، حسين‏،1383 ه. ش‏، ترجمه قرآن( انصاريان)، اسوه‏، 1، ايران- قم‏
9. معلوف، لویس، 1392ه.ش، المنجد فی اللغة، موسسه انتشارات دارالعلم، 5، ایران\_ قم
10. فولادوند، محمدمهدى‏،1418 ه. ق،‏ ترجمه قرآن( فولادوند)، دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى ،3، ايران- تهران
11. ‏مكارم شيرازى، ناصر، 1373 ه. ش‏، ترجمه قرآن( مكارم)، دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى‏،2، ايران- قم‏
12. مشكينى اردبيلى، على‏،1381 ه. ش‏، ترجمه قرآن( مشكينى)، نشر الهادى‏،2، ايران- قم
13. طبرسى، فضل بن حسن،1372 ه. ش‏، مجمع البيان في تفسير القرآن‏، ناصر خسرو، 3، ايران- تهران‏
14. ابن هشام، جمال‎‌الدین، 1391 ه.ش ، مغنی الادیب، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، 5، ایران\_ قم
15. فراء، يحيى بن زياد،1980 م‏، معانى القرآن( فراء)، الهيئة المصرية العامة للكتاب‏، مصر- قاهره‏
16. اخفش، سعيد بن مسعده‏، 1423 ه. ق‏، معانى القرآن( اخفش)، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏،1، لبنان- بيروت
17. ‏ نحاس، احمد بن محمد،1421 ه. ق‏، اعراب القرآن( نحاس)، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏،1، لبنان- بيروت‏
18. يعقوب، اميل‏، 1367 ه. ش‏، موسوعة النحو و الصرف و الإعراب‏، دار العلم للملايين‏، 1، بيروت- لبنان‏

1. . دانش پژوه مدرسه علمیه علوی قم، پایه دوم تحصیلی، سال تحصیلی 99\_1400 [↑](#footnote-ref-1)